

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را باز نشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

- اکانت توییتری منتسب به آیت‌الله جوادی آملی نوشت:

آوردنده که اگر کسی سواراسبی شد این چندین حق بر عهده صاحبش دارد. بار زائد بر آن تحمیل نکند، او را بر آب عرضه کند، به صورت اسب زند، صورت اسب محترم است. اینها جزو آداب است. وقتی این دین اجازه نمی‌دهد که آدم به یک اسب اهانت کند، چگونه اجازه می‌دهد با قلم و بیان ابروی کسی را ببرد!



آدم کسی مباح!

محمدحسین کریمی‌پور در کانال تلگرام خود با ذکر خاطره‌ای از علامه محمدتقی جعفری نوشت:

معلم عزیز، دو سه باری، چند نفر از ما را برد منزل علامه جعفری. ما بچه‌ها، روی زمین دورش می‌نشستیم و او با آن شمایل با نمک و لهجه شیرین آذری، برایمان حرف می‌زد. بلد بود از آن اوج فلسفه و معقولات فرو اید و با یک مشت پسر بچه سر به هوا، از تباط فکری برقرار کند! علامه جوواب‌هایش را نشانمان داد و با افتخار، تعریف کرد چقدر در رفوی جوواب مهارت دارد. یک ذره منیت، رعونت و جبروت آخوندی نداشت. آدم بود. نور به قیورش بیبار.

از آن نشست‌ها، دو قومه از تجارب شخصی علامه یادم مانده که امروز، یکی را برایتان نقل می‌کنم.

آقای من که شما باشی، نقل به مضمون، علامه گفت: «روزی طلبه فلسفه خوانی نزد من آمد تا سؤالاتی بپرسد. دیدم جوان مستعدی می‌باشد که استاد خوبی نداشته‌است. ذهن نقاد و سؤالات بدیع داشت که بی‌پاسخ مانده بود. پاسخ‌ها را که می‌شنیدم، مثل تشنه‌ای بود که آب خنکی یافته باشد. خواهش کرد برایش درسی بگویم و من که ارزش این آدم را فهمیده بودم،

پذیرفتم. قرار شد فلان کتاب را نزد من بخواند. چندی که گذشت، دیدم فریفته‌واله من شده‌است در نهنش‌ابهت و عظمتی یافته‌بودم که برایش خطر داشت. هر چه کردم، این حالت در او کاسته نشد. می‌دانستم این شیفتگی، به‌استقلال فکرش صدمه می‌زند. تصمیم گرفتم فرصت‌تعلیم‌را قربانی استقلال ضمیرش کنم. روزی که قرار بود برای درس بیاید، در خانه رانیم‌ماز گذاشتم. دوچرخه فرزندم را برداشتم و در باغچه، شروع به بازی و حرکات کودکانه کردم. دیدمش که سر ساعت آمد. از کنار، در دقایقی با شگفتی مراگزیت با هیجان، بازی را ادامه دادم. در نظرش شکستم. راهش را کشید و بدون یک کلمه، رفت که رفت.»

اینجا که رسیدم، مرحوم علامه جعفری با آن همه خدمات فکری و فرهنگی به اسلام، گفت: «برای آخر تم به معدودی از اعمالم امید دارم. یکی همین دوچرخه بازی آن روز است!»

درس استاد آن شب این بود که دنبال آدم‌های بزرگ بگردید و سعی کنید در کمان کرده و از وجودشان توشه بر گیرید، اما مرید و واله کسی نشوید. شما انسانید و ارزشتان به ادراک و استقلال عقلتان است. عقلتان را تعطیل و تسلیم کسی نکنید. آدم کسی شوید، هر چقدر هم طرف بزرگ باشد.



- پایان سوپر من‌های دروغین**

دکتر یونس شکر‌خواه با اشاره به نقاشی بالا نوشت: «اثر جدید بنکسی در ایعد یک متر مربع در بیمارستانی در بریتانیا آویخته شد. در این نقاشی، «پرستاری در قامت یک ابر قهرمان» در دستان پسر بچه‌ای به پرواز در آمده در حالی که اسپایدرمن و سوپر من در سید اسباب‌بازی‌ها، بی‌استفاده رها شده‌اند.»

- میدان دست روزمره نویسی‌ها**

دکتر امیرنظامی، معاون وزیر ارتباطات و رئیس سازمان فناوری اطلاعات ایران نوشت: «تحلیل توییتر فارسی در فروردین نشان می‌دهد، روزمره نویسی‌ها همچنان در حال رشد هستند و محتوای ۶۶ درصد توییته‌ها را شکل می‌دهند. سهم توییته‌های سیاسی ۲۲ درصد و اجتماعی ۸درصد است. ادبیات و هنر حدود یک درصد سهم دارند. توییت سیاسی ۲درصد نسبت به ماه پیش کاهش و روزمره نویسی ۲درصد افزایش داشته‌است.»



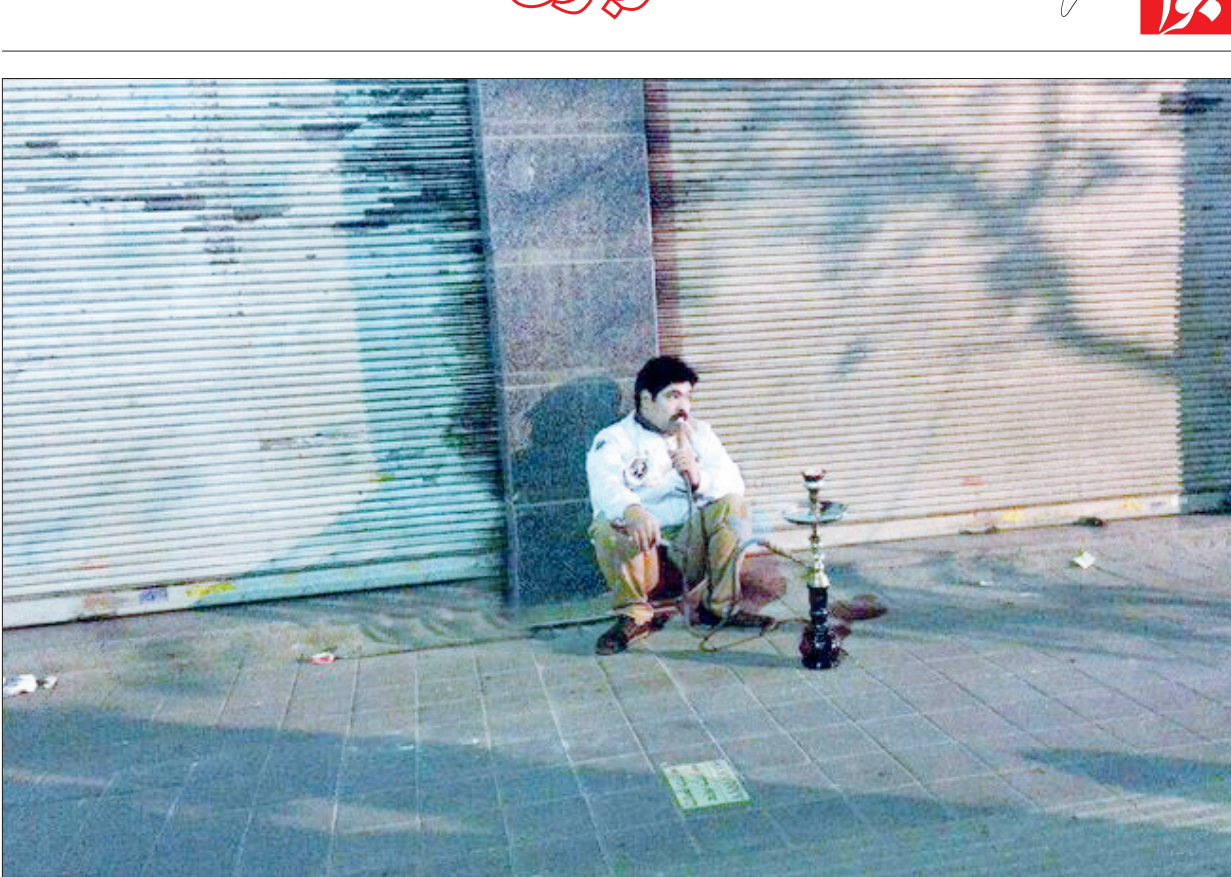
- لنگ یزدی ۱۴۰ هزار تومان!**

دکتر موسوی باانتشار تصویر فوق در اینستاگرام خودنوشت: «در سرزمین شبکه‌های اجتماعی هر روز شاهد اتفاقات نو و عجیبی هستیم؛ برای نمونه زن‌ها دستاورد صنعت دنیای مد، فروش لنگ یزدی روی تن یک مانکن زنده است. قیمتش به ۱۴۰ هزار تومان می‌رسد، ولی همان محصول در سایت دیجی کالا دوتا ۱۱ هزار تومان ارزشگذاری می‌شود. پس گران‌ترخرد!»



کاربران

| روزنامه جوان | شماره ۵۹۲۳ | |-----| شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۹ | ۱۵ |رمضان ۱۴۴۱ |



آرش اسدی با انتشار عکس فوق از زلزله دیشب تهران نوشت: واسه به سامواری همه جا زلنه!

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به #زلزله_تهران

پراید به دلیل زلزله تهران ۲۰درصد گران شد!

زلزله باامداد جمعه در تهران علاوه بر ولوله‌ای که بر دنیای حقیقی انداخت، در شبکه‌های اجتماعی هم واکنش‌های مختلفی را به همراه داشت. محمد رهبری از کاربران توییتر با ارائه آماری از توییتهای منتشر شده در این شب نوشت: «با وقوع زلزله در تهران کاربران توییتر فعالیت کم‌سابقه‌ای در این شبکه اجتماعی داشتند، به‌نحوی که دو ساعت پس از وقوع زلزله، کاربران توییتری بیش از ۲۸هزار توییت در رابطه با زلزله منتشر کردند. یعنی به طور

- اکانت منتسب به شهیدحاج قاسم سلیمانی:

یک زلزله پنج ریشتتری را یک شب تهران را به هم می‌زید:
خب تصور کنید داعش وارد کشور ما می‌شد…
۹۶/۱۰/۲۳
محمد اکرمزاده:
بی تو هر لحظه مرا بیم فرو ریختن است / مثل شهری که به روی گسل زلزله‌هاست.



زهبن:
زلزله که اومد ترسیدم. ضعف خودم رو کاملا حس کردم، وقتی که تموم شد، گفتم اگه تموم نمی‌شد چی؟ و ترس کل وجودم رو گرفت. اما، پس چگونه خواهد بود تایم در برابر آخرت و فرود آمدن ناگوار ی‌ها در آن جهان بر جسم و جانم و حال آنکه زماشیم، طولانی و جایگاهش ابدی است و تخفیفی برای اهل آن بلا نخواهد بود(دعای کمیل)



میزوجی:
منابع آگاه گفتن مرکز زلزله قم بوده، ولی نظام بهنکاری می‌کنه.
کیا نازنین:
تا دقایقی دیگر شاهد نظرات کارشناسی برانداز باشیبد: کار خودشون بوده: داشتن زبر زمین بمب در دست می‌کردند: خواستن حواس مردمو بر تن نفهمن پراید گرون شده!



میلاد شهبازی:
شبکه خبر اینجوری شده که بالا صفحه واسه زلزله می‌نویسه:
پایین واسه چپ در مورد تحریرها:
راست حملات موسکی:
ولی خود خبر در مورد گشت هندوانه غول بیکره!

راوبین:
از ترس زلزله کل ۱۹واحد ساختنمون ریختیم تو کوجه، پهو یکی سرفه کرد از ترس کرونا همه فرار کردیم تو خونه!



علیرضا سهرابی نوشت:
اولین واکنش نماینده‌های مجلس بعداز زلزله:

محمود صادقی:
امشب در لحظات ابتدایی زلزله در بین مردم بودم، همه بکسدا رفح حصر را فریاد می‌زدند

تاجزاده:
اگر نظرات استصوابی نبود الان زلزله نامی‌اومد

علی مطهری:
این زلزله ثابت کرد زمین هم تحمل ادامه حصر را ندارد.



عباس نادران:
زلزله اصلی واسه ما. چند ماه پیش مثل همین شبی و همچین ساعتی آمد. اینا هشتسون پس لرزه است!
اون شب جمعه آرامش دیگه معنی ندارد.

حبیب‌الله فاضلی نوشت:
همین مردم رو می‌بینید که دار و ندار شون رو ول کردند و از ترس جوشنون نشستن تو خیابون؟ بعضیاشون میگن شهدای مدافع حرم پول گرفتن رفتن.
۱:۲۰:۱ فرودگاه بغداد.



رضا تریسی:
کرونا میاد یا زلزله با هر فاجعه دیگه که رخ می‌دهد، زود یقه خدا رو می‌گیریم که ای باها همش مصیبت، همش بدبختی، اسا چرا یکبار از چگونه‌ها بود تایم در برابر آخرت و زندگی چقدن ما هوای خدا رو داشتیم، چقدر ما سعی کردیم انسان شویم، چقدر ما آزارمون به خلق خدا نرسیده؟ نمیشه همیشه طلبکار بود.



محمد زار غ:
تحریم می‌شه قیمت پراید می‌ره بالا، کرونا میاد قیمت پراید می‌ره بالا:
قیمت نفت افت می‌کنه قیمت پراید می‌ره بالا:
می‌گم نکنه حالا که تهران زلزله اومده، دوباره خود-وسازها بیان یگن به دلیل زلزله ۲۰درصد قیمت پراید می‌ره بالا!



زاماسب:
در سال ۱۶۵۵هنگامی که نیون به خاطر طاعون آندیشاش گشوده گردا تفکر جدی، ممکن نیست با نیونن را تداوم کرد، ولی تو اصرابه خودت فشار نیار، از این فرصت استفاده کن یا زلزله و قیمت پراید جک بساز، شهرستانی‌ها را مسخره کن.



م. طالبی:
لازمه یک تشکر ویژه داشته باشیم از جناب روحانی‌خدا و کیلی هشت سال پیش همین زلزله‌ای می‌آمد از ترس قلیمون تا چند ساعت با تیک تاک ساعت کار می‌کرد.
حالا با بلاهای جهان که ایشون سرمون آوردن به سسطحی از مقاومت رسیدیم که وسط پس لرزها نشستیم گل می‌گیم، گل می‌شویم، به انتظار بعیدش!



فرزندمان رونالدو شود یا یک بیولوژیست؟

دکتر علی سرزعیم، اقتصاددان و هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، در کانال تلگرامی خود نوشت:
«کودک که بودیم با خود می‌اندیشیدیم شغلی داشته باشیم که بیشترین فایده را برای جامعه داشته باشد. از این منظر بیولوژیست شدن بهتر از رونالدو شدن است، زیرا اگر چه فوتبالیست‌هایک سر گرمی جذاب‌ال‌ته می‌کنند و زندگی نیازمند سر گرمی است، ولی بیولوژیست‌ها داروهایی که رهایی از بیماری را نوید می‌دهند، عرضه می‌کنند! بزرگ‌تر که شدیم اهمیت درآمد برایمان مهم‌تر شد و دیگر در جواب به پرسش علم بهتر است یا ثروت به سرعت نمی‌گفتیم علم! شاید در دل یا احیاناً بزبان می‌گفتیم ثروت! حال با این ملاک فرزندانم را روانه کدام عرصه کنیم؟ فوتبال یا صنعت دارو؟

اگر چه در آمد رونالدو خیره‌کننده‌است و باهیچ بیولوژیستی برابری نمی‌کند، اما احتمال رونالدو شدن خیلی پایین‌تر از یک بیولوژیست ممتاز شدن است. هر ساله انبوهی از جوانان راهی عرصه فوتبال می‌شوند و معدود کسانی می‌توانند در لیگ دسته اول ایران و جهان راه یابند، در حالی‌که شانس بیولوژیست شدن و در یک صنعت دارویی مشغول به کار شدن خیلی کم نیست.

آیا درآمد رونالدو غیرمنصفانه است؟ یک پاسخ این است که تا وقتی امور بر مدار بازار آزاد می‌چرخد؛ چرا که نه! وقتی مردم حاضر ند هزینه یک باشگاه مثل پارسلونا و رئال مادرید و… را بپردازند و این باشگاه‌ها با اتکا به این درآمدها می‌توانند دستمزد بالایی به بازیکنان بپردازند، چرا باید با آن مخالفت کنیم و اساساً چه حقی برای مداخله داریم؟ در مقابل، دیدگاه دیگری قرار دارد که معتقد است درآمدهای غیرعادی در یک بخش می‌تواند موجب اختلال در تخصیص استعدادها در جامعه شود. تعیین سقف یا گرفتن مالیات تصاعدی به‌درآمد فوتبالیست‌های مشهور می‌تواند علامت‌درستی به جامعه دهد تا افراد مستعد وار د عرصه‌هایی شوند که برای جامعه در بلندمدت مفیدتر است.

نگاه‌سومی است که معتقد می‌باشد به‌جای مقایسه در آمد یک بیولوژیست با یک فوتبالیست و تأسف از نتیجه این مقایسه باید بین درآمد یک باشگاه فوتبال با یک شرکت دارویی نوعی مقایسه کرد. وقتی چنین مقایسه‌ای صورت گیرد، مشخص می‌شود که شرکت دارویی متعارف در آمدناتر از یک باشگاه فوتبال متعارف است. البته تردیدی نیست که بهترین شرکت دارویی جهان به مراتب از بهترین باشگاه فوتبال جهان درآمد و سود بیشتری ایجاد می‌کند، این درآمد بالاتر شرکت‌های دارویی صرفاً به خاطر این نیست که کالای مورد نیاز مردم را تأمین می‌کنند؛ بلکه به این خاطر است که کشف داروهای جدید فرآیندی بلندمدت، پرهزینه و بسیار ریسکی است؛ یعنی یک تیم پژوهش دارویی شاید ۱۰ سال پیوسته روی کشف یک داروی جدید کار کند و بعد از ۱۰ سال شاید به جواب برسد، شاید هم نرسد.

کسب درآمد بیولوژیست‌ها و شرکت‌های دارویی با یک معضل اخلاقی هم‌روبه‌رو است. مردم جهان درست یا غلط مشکل خاصی ندارند؛ اگر فوتبالیست‌ها در آمد بالایی از فعالیت خود کسب کنند (اگر مرتبط با بودجه دولت نباشد)، ولی وقتی یک شرکت دارویی، دارویی تولید می‌کند و می‌خواهد از محل فروش آن سود خوبی کسب کند، بیشتر مردم این کار را غیر اخلاقی قلمداد می‌کنند. مثلاً فرض کنید که وضعیت فعلی کرونا دو سال ادامه یابد و یک شرکت دارویی تیم‌هایی را تجهیز کند تا در این دو سال شبانه‌روزی آن کار کنند و بالاخره به داروی مذکور دست یابند. آیا دولت‌ها و جامعه جهانی اجازه می‌دهند تا این شرکت بابت فروش آن سودی کسب کند که درآمد هر کدام از بیولوژیست‌هایش بیشتر از رونالدو شود؟

- تجویز راهبردی**

پیشرفت هر جامعه تنها با انگیزه‌های درونی افراد ممکن نیست. افراد باید بابت اقداماتی که برای جامعه نفع دارد در آمد بالایی کسب کنند. اگر می‌خواهیم یونسده خوبی داشته باشیم باید مالکیت معنوی را اجرا کنیم تا یونسده‌گان از محل فعالیتشان در آمد خوبی کسب کنند. شوق درونی نوشتن به‌تنهایی برای کسب استعدادهای کافی نیست؛ اگر در جامعه‌ای کار آفرینی در آمد کمی داشته باشد، ولی رانت‌جویی در آمد بیشتری داشته باشد، حتماً استعدادهای جامعه به سمت رانت‌جوشن گسیل می‌شوند. پس بیاییم سرچشمه‌های رانت را ببندیم. اگر رانت‌های دولتی موجب شده تا فوتبالیست شدن در ایران پر در آمد شود، نباید تعجب کنیم که جوانان به جای مشاغل مفیدتر، به سمت این مشاغل حرکت کنند.



زلزله و فراموشی سیاستی

محمد فاضلی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهیدبهبشتی و مشاور وزیر نیرو و در **کانال تلگرامی خود نوشت:**
زلزله هر چند سال یکبار به یادمان می‌آورد که در شهری نامن، روی گسل و ناآماده برای کاستن از خسارات زلزله زندگی می‌کنیم. خوب است این بار به خود بگوئیم و بر سر سیاست فریاد بکشیم که زلزله چند دهه به ما فرصت داده است و ما کماکان در غفلتیم، فراموشی سیاستی. چهار دهه قبل تهران کمتر از ۴ میلیون نفر جمعیت داشت و امروز بیش از ۱۰ میلیون نفر. جمعیت در معرض خطر بیش از دو و نیم برابر شده است. ما چه زمانی احساس کردیم ایمنی در برابر زلزله در دسترس کار جدی سیاست است؟ و سیاست چه موقع گزارشی به ما از اقداماتش برای ایمنی زلزله داد؟ ما باز هم فراموش خواهیم کرد و سیاست‌گویی کارهایی مهم‌تر از ایمنی بیش از ۱۰ میلیون نفر و سرنوشت یک کشور در برابر زلزله دارد. ان‌شاءالله که امشب زلزله دیگری رخ نخواست. داد، اما این سؤال کاش بی‌پاسخ نماند که زلزله چه زمانی در دستور کار سیاست جامعه قرار می‌گیرد؟ چگونه زلزله و جان ۱۰ میلیون انسان را دستور کار سیاست کنیم؟ اگر سیاستی دستور کارش جان ۱۰ میلیون انسان نیست، پس چه کار می‌آید؟ ما در این چند دهه چه کاری باید انجام می‌دادیم غیر از انتظار کشیدن برای فاجعه زلزله تهران و اکنون چه باید کنیم؟



جناب تاجزاده! سلام

امیر حسین ثابنی با اشاره به بخشی از یادداشت مصطفی تاجزاده در اینستاگرام خود نوشت: «جناب آقای تاجزاده! با سلام. قبل از انتخابات ۹۶ گفتید اگر روحانی نبود، قیمت پراید به ۵۰ تا ۶۰ میلیون تومان، دلار به ۱۲ هزار تومان و سکه به ۳ میلیون تومان می‌رسید. خواهشمند است اکنون نظرتان را درباره پراید ۹۰ میلیونی، دلار ۱۶ هزار تومانی و سکه ۶/۵ میلیونی در دولت آقای روحانی بفرمایید. با احترام.»